بصیرت و انتظار,

[رضا امامی]

تحلیل تحرکات نفوذی های انقلابی برای حذف رهبر

داستان مظلومیت رهبر

سلام علیکم،جریان نفوذ رو از ابتدا خدمتتون عرض میکنم

امکان داره کمی طولانی باشه ولی واقعا لازمه دونستنش تو این موقعیت

پس دل بدید که ان شاالله بخیر بگذره

به طور کلی جریان نفوذ جهت استحاله نظام ایجاد میشود ... همانطور که می دانیم دشمنان انقلاب و نظام در ابتدای کار سعی بر نفوذ سخت ، از طریق نظامی و قتل و کشتار و تجاوز به خاکهای کشورمان داشتند و طی هشت سال مداوم به این نتیجه رسیدند که برخلاف عدم امکانات و تحریمها و فشارهای بین المللی ملت شریف ایران دست از استقامت برنمی دارند.

بنا براین مطمئن شدند که نفوذ در ایران و استحاله نظام از طریق جنگ سخت امکان پذیر نمی باشد

تصمیم گرفتند که از پروژه نفوذ نرم استفاده کنند.

و سه حوزه جهت پیشبرد اهدافشان در ایران در نظر گرفته شد:

حوزه های 1 . اقتصادی، 2 . فرهنگی ،3 . سیاسی

جنگ سال ۶۷ به پایان رسید و پس از اندک زمانی امام انقلاب هم به ملکوت اعلا پیوست.

یکی از صاحبان انقلاب رییس جمهور می شود از اینجا پروژه نفوذ اقتصادی که اولین پله نفوذ نرم است کلید می خورد؛

ایشان از تریبون نماز جمعه اعلام می کند باید مانور تجمل داشته باشیم!!!

و در فرازی دیگر می گویند طبیعی است که قشر ضعیف زیر چرخ دنده های توسعه له شوند!!!

در همین سالها مردم می بینند که دفاتر کار مسئولین با نوچه های شاه هیچ تفاوتی ندارد !!!

این روش این سوال را در ذهن مردم ایجاد می کند که پس حرف های امام ( دفاع از قشر مستضعف، عدالت اجتماعی ) کو ؟ به چه درد می خورد؟

هشت سال سیاست اقتصادی دولت وقت ترویج تجمل و دنیا پرستی موجب دگرگونی اوضاع اقتصادی و حتی تفکر اقتصادی مردم می شود !

تا جایی که برادر زن جناب پدرخوانده علنا اعلام می کند من لیبرال دموکرات مسلمان هستم!!!!

تاثیر لیبرالیسم بر سیاستهای کشور را اکنون می شود دید!

الان متوجه می شویم که داستان همان داستان نفوذ بوده !!!

شعارهای انقلاب تغییر می کند!

در نهایت به استحاله اقتصادی رسیدیم، روشهای اقتصاد اسلامی که قرار بود اجرا شوند هنوز اجرایی نشده بود که به دست فراموشی هم سپرده شدند!

ادبیات اصیل اسلام دستخوش تغییر شد مثلا به جای واژه قشر مستضعف که صاحبان اصلی نظام محسوب می شدند ، واژه قشر آسیب پذیر که به نوعی سربار نظام محسوب می شوند جایگزین کردند!!!

ارزشهای انقلاب دچار تغییر شد!

پس تقریبا استحاله اقتصادی انجام شد!

خوب کار به جایی رسید که تندروی های جناب پدر خوانده صدای طرفدارانش را نیز در آورد!!!

مثلا خاطرات سد لتیان و خوش گذرانی ها و مال اندوزی غیر قابل کنترل ایشان و خانواده اش!

البته کم کم مردم عادت می کنند و فکر می کنند مسئولین اگر اشراف نباشند نمی توانند مملکت را بچرخانند!!!

در این دوران مدام تبلیغ می شود که مردم به دنبال رفاه و آرامش هستند، دیگر از جنگ خسته شده اند با این ادبیات کسانی که در جنگ شرکت کرده و ضربه خورده بودند به حاشیه راندند!

و تفکرِ مدیرانِ خارج تحصیل کرده را جا انداختند همان فرزندانی که زمان جنگ در خارج از کشور مشغول تحصیل بودند برگشتند و پستها را اشغال کردند.

در هر حال این تندروی ها به جایی می رسد که طرفداران جناب پدر خوانده بعد از هشت سال پروژه عبور از او را مطرح می کنند!

و در انتخابات در شرایطی که همه فکر می کنند رقابت بین ری شهری و ناطق است مردم ایران شگفتی می آفرینند!!!

چه کسی رای می آورد؟

خاتمی!!!

خاتمی ای که پدرش که از علما اسلام بود، در موردش گفته بود پسرم بویی از اسلام نبرده!!!

حالا نوبت چیست؟

نوبت نفوذ فرهنگی رییس جمهور در ملا عام اعلام می کند : اگر بین دین و آزادی اختلاف ایجاد شود دین را باید کنار گذاشت!!!

یا قرآن مال ۱۴۰۰ سال پیش بوده به درد حال نمی خورد!!!

یا خمینی به موزه پیوست!!!

اصغر زاده در همین دوران میگوید :در جمهوری اسلامی علیه خدا هم می شود حرف زد!!!

و رفتارهای وزیر ارشاد وقت ، که به طور جدی فرهنگ مردم را دگرگون میکند!!!

الان متوجه شدیم که برنامه های فرهنگی آن زمان در اتاقهای فکر یهودی ریخته شده بودند!

شیب رو به قهقرای حجاب ، باورها و اعتقادات ، افزایش استفاده از ماهواره و رفتارهای تحریک کننده اجتماعات مانند زمان بنی صدر اوج یافت!!! سخنرانی های تحییج و تحریک کننده خاتمی در آن زمان را می شود باز دید کرد!

این رییس جمهور هم تند می رود که پروژه عبور از او را نیز کلید می زنند!!!

خب برای انتخابات بعد دو شقه می شوند؛ عده ای معین و عده ای به طرفداری از هاشمی برمی خیزند!

تا اینجای کار دشمن کاملا موفق شده بود. نفوذ اقتصادی و نفوذ فرهنگی تقریبا محقق شده بود مانده بود نفوذ سیاسی . آمریکا بسیار امیدوار بود!

برای رسیدن به استحاله سیاسی؛

استحاله سیاسی در نهایت یعنی حذف رهبر!!!

حذف رهبر از عرصه تاثیر گذاری نه حذف به معنای عدم!

در این زمان باز مردم ایران شگفتی آفریدند!!!

بصیرت و انتظار, [۰۲.۰۳.۱۶ ۲۲:۰۱]

[Forwarded from رضا امامی]

تحلیل تحرکات نفوذی های انقلابی برای حذف رهبر

داستان مظلومیت رهبر

سلام علیکم،جریان نفوذ رو از ابتدا خدمتتون عرض میکنم

امکان داره کمی طولانی باشه ولی واقعا لازمه دونستنش تو این موقعیت

پس دل بدید که ان شاالله بخیر بگذره

به طور کلی جریان نفوذ جهت استحاله نظام ایجاد میشود ... همانطور که می دانیم دشمنان انقلاب و نظام در ابتدای کار سعی بر نفوذ سخت ، از طریق نظامی و قتل و کشتار و تجاوز به خاکهای کشورمان داشتند و طی هشت سال مداوم به این نتیجه رسیدند که برخلاف عدم امکانات و تحریمها و فشارهای بین المللی ملت شریف ایران دست از استقامت برنمی دارند.

بنا براین مطمئن شدند که نفوذ در ایران و استحاله نظام از طریق جنگ سخت امکان پذیر نمی باشد

تصمیم گرفتند که از پروژه نفوذ نرم استفاده کنند.

و سه حوزه جهت پیشبرد اهدافشان در ایران در نظر گرفته شد:

حوزه های 1 . اقتصادی، 2 . فرهنگی ،3 . سیاسی

جنگ سال ۶۷ به پایان رسید و پس از اندک زمانی امام انقلاب هم به ملکوت اعلا پیوست.

یکی از صاحبان انقلاب رییس جمهور می شود از اینجا پروژه نفوذ اقتصادی که اولین پله نفوذ نرم است کلید می خورد؛

ایشان از تریبون نماز جمعه اعلام می کند باید مانور تجمل داشته باشیم!!!

و در فرازی دیگر می گویند طبیعی است که قشر ضعیف زیر چرخ دنده های توسعه له شوند!!!

در همین سالها مردم می بینند که دفاتر کار مسئولین با نوچه های شاه هیچ تفاوتی ندارد !!!

این روش این سوال را در ذهن مردم ایجاد می کند که پس حرف های امام ( دفاع از قشر مستضعف، عدالت اجتماعی ) کو ؟ به چه درد می خورد؟

هشت سال سیاست اقتصادی دولت وقت ترویج تجمل و دنیا پرستی موجب دگرگونی اوضاع اقتصادی و حتی تفکر اقتصادی مردم می شود !

تا جایی که برادر زن جناب پدرخوانده علنا اعلام می کند من لیبرال دموکرات مسلمان هستم!!!!

تاثیر لیبرالیسم بر سیاستهای کشور را اکنون می شود دید!

الان متوجه می شویم که داستان همان داستان نفوذ بوده !!!

شعارهای انقلاب تغییر می کند!

در نهایت به استحاله اقتصادی رسیدیم، روشهای اقتصاد اسلامی که قرار بود اجرا شوند هنوز اجرایی نشده بود که به دست فراموشی هم سپرده شدند!

ادبیات اصیل اسلام دستخوش تغییر شد مثلا به جای واژه قشر مستضعف که صاحبان اصلی نظام محسوب می شدند ، واژه قشر آسیب پذیر که به نوعی سربار نظام محسوب می شوند جایگزین کردند!!!

ارزشهای انقلاب دچار تغییر شد!

پس تقریبا استحاله اقتصادی انجام شد!

خوب کار به جایی رسید که تندروی های جناب پدر خوانده صدای طرفدارانش را نیز در آورد!!!

مثلا خاطرات سد لتیان و خوش گذرانی ها و مال اندوزی غیر قابل کنترل ایشان و خانواده اش!

البته کم کم مردم عادت می کنند و فکر می کنند مسئولین اگر اشراف نباشند نمی توانند مملکت را بچرخانند!!!

در این دوران مدام تبلیغ می شود که مردم به دنبال رفاه و آرامش هستند، دیگر از جنگ خسته شده اند با این ادبیات کسانی که در جنگ شرکت کرده و ضربه خورده بودند به حاشیه راندند!

و تفکرِ مدیرانِ خارج تحصیل کرده را جا انداختند همان فرزندانی که زمان جنگ در خارج از کشور مشغول تحصیل بودند برگشتند و پستها را اشغال کردند.

در هر حال این تندروی ها به جایی می رسد که طرفداران جناب پدر خوانده بعد از هشت سال پروژه عبور از او را مطرح می کنند!

و در انتخابات در شرایطی که همه فکر می کنند رقابت بین ری شهری و ناطق است مردم ایران شگفتی می آفرینند!!!

چه کسی رای می آورد؟

خاتمی!!!

خاتمی ای که پدرش که از علما اسلام بود، در موردش گفته بود پسرم بویی از اسلام نبرده!!!

حالا نوبت چیست؟

نوبت نفوذ فرهنگی رییس جمهور در ملا عام اعلام می کند : اگر بین دین و آزادی اختلاف ایجاد شود دین را باید کنار گذاشت!!!

یا قرآن مال ۱۴۰۰ سال پیش بوده به درد حال نمی خورد!!!

یا خمینی به موزه پیوست!!!

اصغر زاده در همین دوران میگوید :در جمهوری اسلامی علیه خدا هم می شود حرف زد!!!

و رفتارهای وزیر ارشاد وقت ، که به طور جدی فرهنگ مردم را دگرگون میکند!!!

الان متوجه شدیم که برنامه های فرهنگی آن زمان در اتاقهای فکر یهودی ریخته شده بودند!

شیب رو به قهقرای حجاب ، باورها و اعتقادات ، افزایش استفاده از ماهواره و رفتارهای تحریک کننده اجتماعات مانند زمان بنی صدر اوج یافت!!! سخنرانی های تحییج و تحریک کننده خاتمی در آن زمان را می شود باز دید کرد!

این رییس جمهور هم تند می رود که پروژه عبور از او را نیز کلید می زنند!!!

خب برای انتخابات بعد دو شقه می شوند؛ عده ای معین و عده ای به طرفداری از هاشمی برمی خیزند!

تا اینجای کار دشمن کاملا موفق شده بود. نفوذ اقتصادی و نفوذ فرهنگی تقریبا محقق شده بود مانده بود نفوذ سیاسی . آمریکا بسیار امیدوار بود!

برای رسیدن به استحاله سیاسی؛

استحاله سیاسی در نهایت یعنی حذف رهبر!!!

حذف رهبر از عرصه تاثیر گذاری نه حذف به معنای عدم!

در این زمان باز مردم ایران شگفتی آفریدند!!!

احمدی نژادی رای آورد که از همان ابتدا مفاسد اقتصادی پدرخوانده و پسرانش، ناطق و پسرانش و حتی جلسات در کاخ سعد آباد را زیر سوال می برد!

سریعا جبهه ای ایجاد می شود مقابلش و تصمیم به حذفش می گیرند!

حتی بارها تهدید به قتل می کنند!!!

و در سفر استانی به زاهدان ترور نا فرجامش موجب شهادت محافظش می شود!

و در سال ۸۸ داستان نامه نوشتن پدرخوانده به ملک عبدالله قاتل میلیونها شیعه برملا می ‌شود که گفته شش ماهه احمدی نژاد را برکنار می کنیم!!!

و مداوم بحرانهای پشت سر هم ایجاد می کنند!!!

بحران گوجه، بحران گردو، بحران برنج، بحران چای، لبنیات و مرغ و...

احمدی نژاد هم کله شق در همین بحرانها می رود به روستاها و شهرها و با مردم مستضعف نشست و برخواست می کند!

می رود سازمان ملل و سخنش را با سلام به صاحب الزمان عج شروع می کند! یعنی گفتمان شیعه را در جهان داد می زند. گفتمانی که تا کنون یا در تقیه بود یا در فشار! علنی در مهمترین تریبون جهان بیان می شود.

باز با ایجاد تحریم و بحرانهای داخلی می خواهند این گفتمان را زمین بزنند!

ولی سال بعد در سازمان ملل بحث هولوکاست را زیر سوال می برد و جامعه جهانی سردرگم که با او چه کنند!!!

فشارها را بیشتر می کنند . پدر خوانده عصبانی در دانشگاه می گوید این احمقها می خواهند اسراییل به ماحمله کند!!!

باز سال بعد احمدی نژاد پشت تریبون سازمان ملل اعلام می کند یازده سپتامبر کار خودتان بود!!!

چنان آمریکا و هم پیمانانش را دچار سردرگمی کرده بود که نمی دانستند با او چه کنند!

تصمیم گرفتند او را نیز از درون بزنند!

جریان انحرافی ایجاد شد و متاسفانه شد آنچه نباید می شد!!!

در هر حال تحریم های ایجاد شده برای زمین زدن احمدی نژاد و دولتش تاثیر چندانی روی مردم نداشت دیدند هر چه تحریم می کنند مردم کم نمی آورند!!! حتی نتانیاهو قبل از عید اعلام می کند که مردم از زور فشار تحریم‌ها در تعطیلات عید به جان هم خواهند افتاد و اغتشاش خواهد شد!!!

 جالب است همان سال ۴۰درصد سفرهای نوروزی افزایش می یابد!!!

می فهمند با بالا بردن روزانه قیمتها مثل لبنیات و با بحران سازی روزانه و... نمی شود این مردم را به زانو در آورد آمریکاییها در نهایت نا امیدی بودند و تصمیم می گیرند طوری برنامه بریزند که نیروی انقلابی رای نیاورد و دست به دامان نفوذیهای داخلی می شوند!

در نهایت در کمال ناباوری که امت حزب الله سرگرم دعوای احمدی نژاد خوب است یا بد ؛ روحانی رای می آورد!!!

بنابراین اینجا استحاله سیاسی کلید می خورد

در این استحاله قرار بر این است که رهبر اقتدارش را از دست بدهد تا حذف سیاسی شود!!!

رهبر مقتدر را نمی شود حذف کرد!

بنابر این مذاکرات را شروع کردند!

و در همان راستا هر صحبتی که آقا می کرد بلافاصله عکسش را می گفتند ولی با سیاست احترام ظاهری به رهبر!!!

در هر سخنرانی روحانی بارها نام آقا را می شنویم!!!

مثلا آقا در سخنرانیشان می فرمایند : وظیفه حاکم اسلامی رساندن مردم به بهشت است بلافاصله روحانی در سخنرانیش اعلام می کند مردم را به زور نمی شود به بهشت برد!!!

یا آقا فرمودند : مردم ایران اهل مقاومتند گرسنگی بکشند دست از مقاومت بر نمی دارند بعد روحانی در سخنرانیش می گوید از جیب مردم شعار ندهید و این دو سخن به صورت وقیحانه و برنامه ریزی شده در روزنامه آرمان و آفتاب یزد در کنار هم آورده می شود!!!

چرا ؟ چون حساسیت زدایی بشود نسبت به منویات رهبری در قشر حزب الله!!!

آقا مدال می دهند به یگان ویژه سپاه که تفنگداران آمریکایی را دستگیر کردند و آنها را سرداران دفاع از کشور می خوانند . و دیدیم که دولت بدون برنامه قبلی سریع همایشی جهت اعطای مدال به مذاکره کنندگان هسته ای و لقب سرداران دفاع کشور در حوزه دیپلماسی را به آنها اعطا می کند!!!

بعد از تبیین خط قرمزها توسط امام خامنه ای ظریف در مصاحبه اش در هتل کورک می گوید طرفین انقدر خط قرمز تعیین نکنند!!!

آقا به فرماندهان نظامی فرمودند که به هیچ عنوان ماذون نیستید که اجازه دهید از مراکز نظامی دیدن کنند . ولی متاسفانه چندی از این سخن نگذشته بود که آمانو به پارچین آمد و از مراکز نظامی ما دیدن نمود !!!!

فرماندهان نظامی شروع کردند به توجیه!!!

که ما روی موشکها پارچه انداخته بودیم!!!

دیدند این توجیه بسیار مسخره است گفتند موشکها را قبلا به بیرون انتقال داده بودیم!!!

انگار مشکل دیدن چند موشک است!!!

نفهمیدند که مشکل چیز دیگریست ؛ مسئله عبور از رهبریست!

مسئله این است که می خواستند نشان دهند که نه تنها مردم دیگر به سخنان رهبر اهمیت نمی دهند همان گونه که در انتخابات نشان دادند بلکه فرماندهان نظامیش هم دیگر وقعی به سخنانش نمی نهند!!! آمانو روی رهبری پا گذاشت وارد پارچین شد!!!

ما چه کردیم ؟؟؟

ما چه کردیم ؟؟؟

چطور نفهمیدیم کفن بپوشیم و اجازه ندهیم وارد پارچین شوند!!؟؟

بعد از اولین زیر پا گذاشتن منویات رهبر دیگر راه باز شد آقا مدام درسخنرانی هایشان اعلام می کنند باید برای بهبود اقتصادی نگاه درونگرا داشت ولی مدام هیئتهای اروپایی بابت آوردن اجناسشان به بازار داخلی در رفت و آمدند باز آقا می فرمایند در داخل به دنبال کلید حل مشکل باشید می روند فلان هواپیمای بی مصرف را می خرند!!!

همه اینها را گفتم

که بدانید

اکنون پروژه حذف رهبر کلید خورده و در حال اجراست! اکنون که مجلس شورا و خبرگان دستشان نیست به این وقاحت مقابل رهبر ایستاده اند اگر کمی و فقط کمی سستی کنیم و مجلسین دستشان بیفتد باید بدانیم برنامه بعدی آنها اول شهریور سال بعد به چالش کشیدن رهبری در خبرگان و ایجاد شورای رهبریست و این فقط زمانی امکان دارد که اقتدار رهبر شکسته شده باشد!!!

بعد از آن باید منتظر فجایع عظیم در جهان علیه شیعیان باشیم که هم اکنون به اقتدار رهبر ایستاده اند !

این است که آقا به حاج حسین یکتا می گوید بروید به بچه حزب اللهی ها بگویید عده ای آمده اند اسلام و انقلاب را با هم بگیرند هر کسی هر کاری از دستش بر می آید انجام دهد!!! این اشک آدم رو درمیاره ... .

دقت کنیم به این سخن رهبر که فرمودند اگر دشمن فشار بیاورد امکان ندارد صلح امام حسن ع اتفاق بیفتد، عاشورا تکرار خواهد شد!!!

و دردناکتر سخن اخیر رهبریست که من از گفتن حقیقت خسته نمی شوم !!!😭

این حرف اگر از زبان امام علی ع بیان شده بود ما اکنون در روضه هایمان می خواندیم و به مظلومیت و تنهاییش می گریستیم این حرف رو آقا به چه کسی می زنند ؟ به دشمنان؟ به دولت ؟ به منافقین؟ نه عزیزان من ؛ به حزب اللهی های در خواب ، به آنهایی که حرفهای آقا را می شنوند ولی موقع عمل لنگ می زنند!!!

به ما : یعنی من حرف را می زنم ولی انگار به دیوار می گویم مجبورم مدام تکرار کنم شاید گوش شنوایی پیدا شود😭

بابت این آزمایش الهی که پیش رو داریم وظیفه سنگینی بر عهده تک تک ماست اگر درست عمل کردیم سعادت دنیا و آخرت را خریدیم و اگر خدای نکرده غفلت، باید اثار شومش را تا ابد با خود حمل کنیم !

حیف و صد حیف که مجال نیست باقی درد و ماجرا را بازگو کنم که در صورت افتادن مجلسین به دست نابابان و نااهلان چه بلایی بر سرمان خواهد آمد!!!

شاید شبی دیگر اگر عمر مجال دهد و وقت یاری نماید!

در هرحال عذر می خواهم بابت اطاله کلام که چاره نبود 😔دردی بود گفتنی شاید موثر افتد!!!

و من الله توفیق 🌹🌹🌹